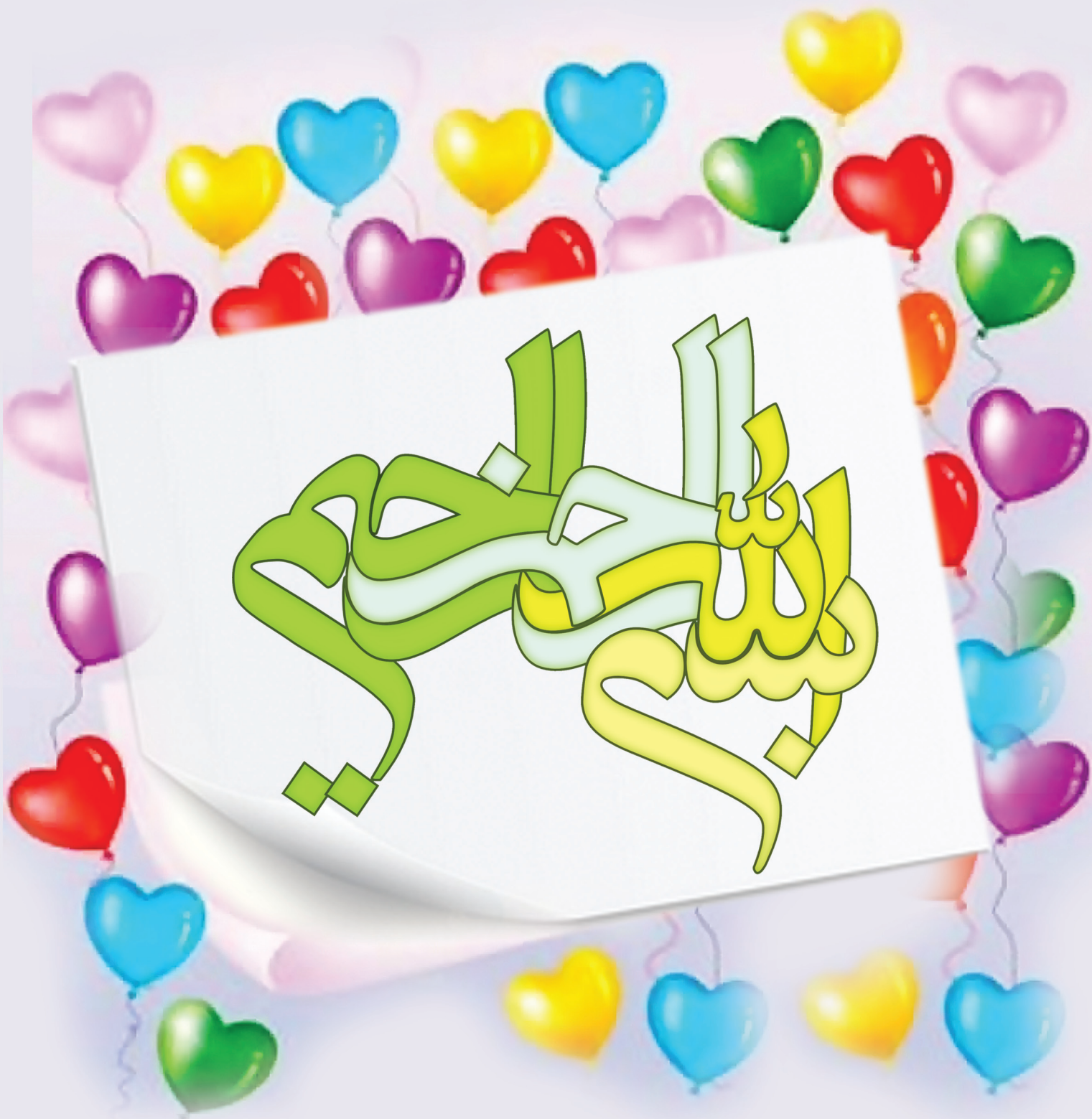


الله أكبر



سرشناسه : صادقی، بهراد، ۱۳۹۵-

عنوان و نام پدیدآور : موش کور کوچولو / نویسنده بهراد صادقی.

مشخصات نشر : انتشارات بامن (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری : ۱۲ص.؛ ۲۲×۲۲سم.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۵۱-۷۶-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : موش های کور -- داستان

رده بندی دیویی : ۱۵۹۹/۳۴

شماره کتابشناسی ملی : ۸۹۵۹۳۷۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : موش کور کوچولو

نویسنده : بهراد صادقی

ناشر : بامن (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۱

چاپ : مدیران

قیمت : ۱۸۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :

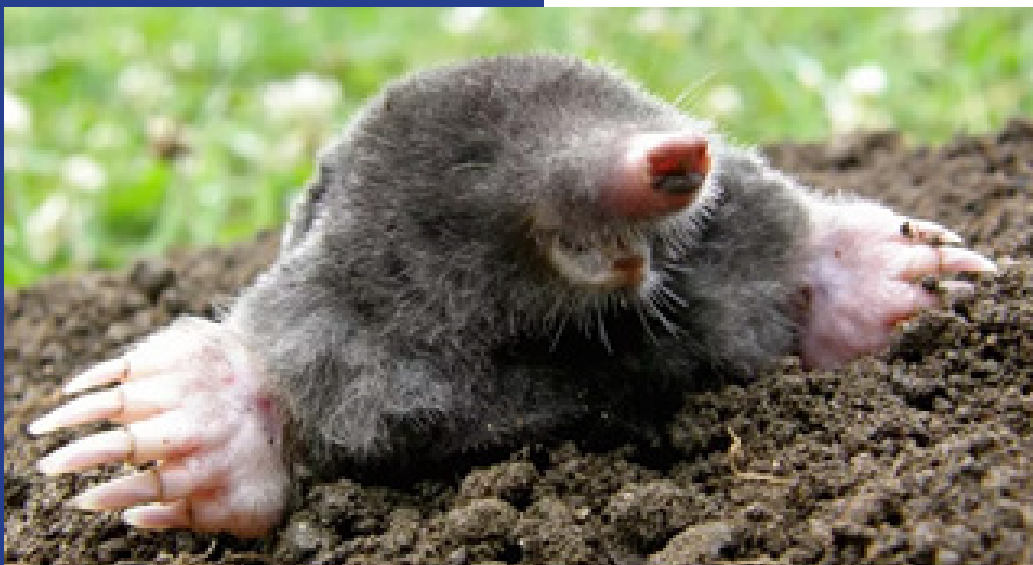
<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۵۱-۷۶-۲

تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir





موش کور کوچولو

نویسنده :

بهراد صادقی

انتشارات بامن (با همکاری چاپ و نشر ایران)

زمستان ۱۴۰۱

تقدیم به بابا و مامان عزیزم.

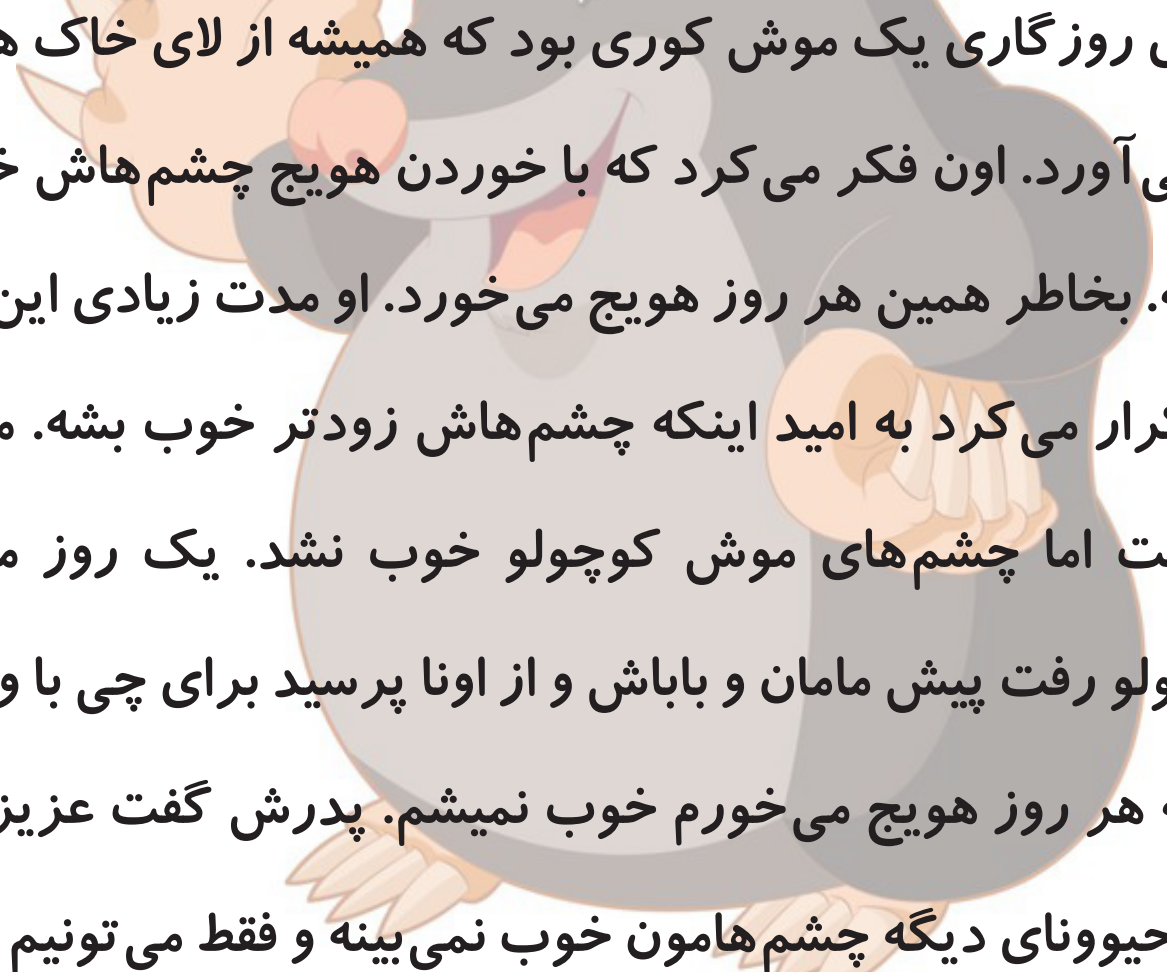
سپاس از معلم نازنینم سرکار خانم پوریوسف و کلیه مربیان

دبستان پسرانه شکوفه های بعثت واحد ۴ که یاریگر مشق

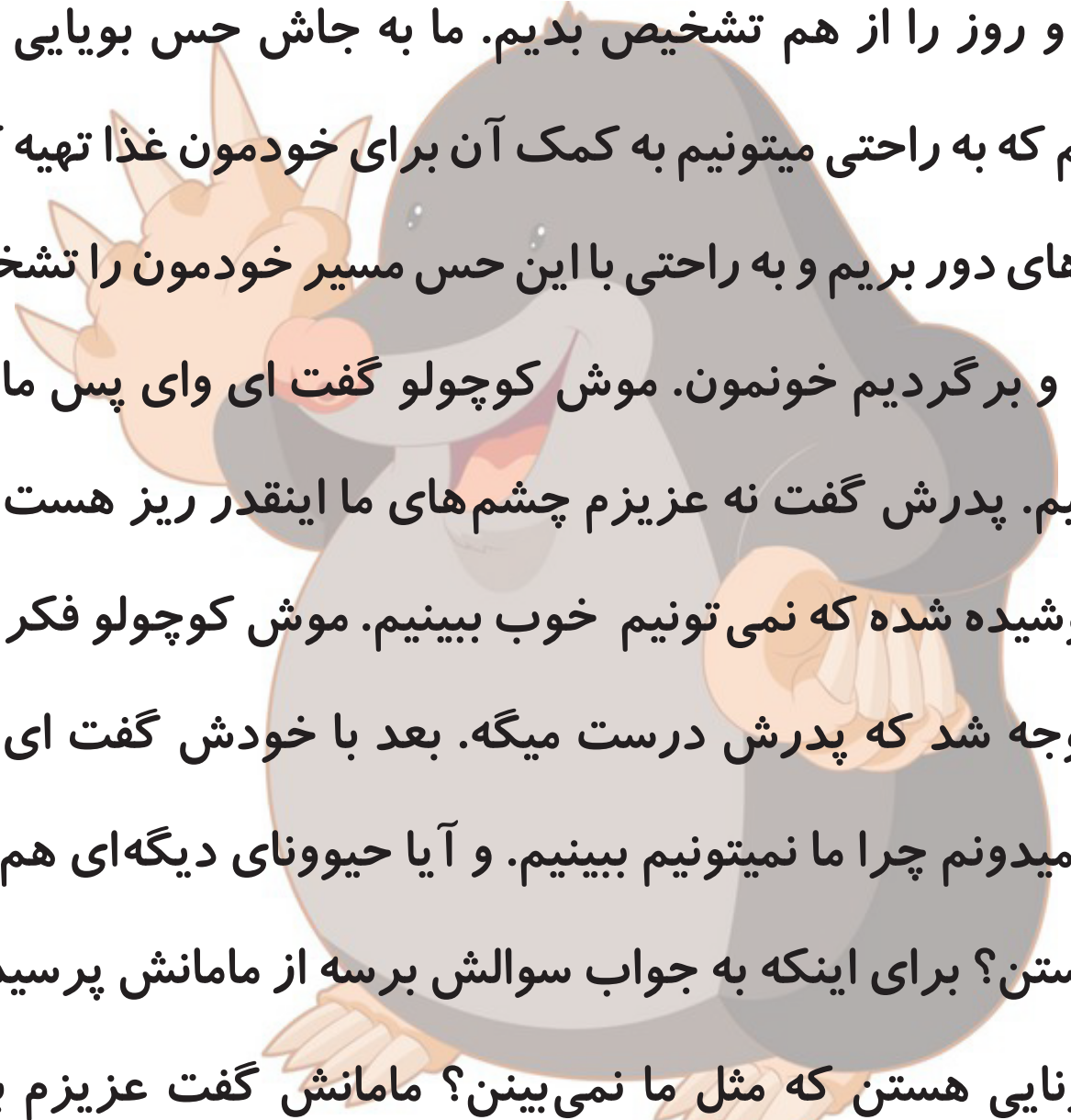
زندگی من بوده و همواره در دل و یادم خواهید ماند .



بنام خدا



روزی روزگاری یک موش کوری بود که همیشه از لای خاک هویج در می آورد. اون فکر می کرد که با خوردن هویج چشم هاش خوب میشه. بخاطر همین هر روز هویج می خورد. او مدت زیادی این کار را تکرار می کرد به امید اینکه چشم هاش زودتر خوب بشه. ماهها گذشت اما چشم های موش کوچولو خوب نشد. یک روز موش کوچولو رفت پیش ماما و باباش و از اونا پرسید برای چی با وجود اینکه هر روز هویج می خورم خوب نمیشم. پدرش گفت عزیزم ما مثل حیواناتی دیگه چشم هامون خوب نمی بینه و فقط می تونیم فرق

A cartoon illustration of a mole and its mother. The mother mole is a large, grey mole with a pink nose and a wide, happy smile, showing her teeth. She has her arms around a smaller, orange mole. The smaller mole is also smiling and has its arms raised. The background is a light, textured grey.

شب و روز را از هم تشخیص بدیم. ما به جاش حس بویایی قوی داریم که به راحتی میتونیم به کمک آن برای خودمون غذا تهیه کنیم و جاهای دور بریم و به راحتی با این حس مسیر خودمون را تشخیص بدیم و برگردیم خونمون. موش کوچولو گفت ای وای پس ما کور هستیم. پدرش گفت نه عزیزم چشم‌های ما اینقدر ریز هست و با مو پوشیده شده که نمی‌تونیم خوب ببینیم. موش کوچولو فکر کرد و متوجه شد که پدرش درست میگه. بعد با خودش گفت ای وای من نمیدونم چرا ما نمیتونیم ببینیم. و آیا حیواناتی دیگه‌ای هم مثل ما هستن؟ برای اینکه به جواب سوالش برسه از مامانش پرسید چه حیواناتی هستن که مثل ما نمی‌بینن؟ مامانش گفت عزیزم برای